

## دورنمای تاریک سازندگان اجتماع فردا

استغاثه و استمدادی است از یک بانوی تحصیل کرده مسلمان  
که برای اطلاع عموم و بدون اظهار نظر درج می گردد

کارش را بدانند و به اهمیت مسئولیتی که قبول می کند  
پی ببرد و بداند که اگر کوچکترین سهل انگاری  
در کارش انجام دهد نتیجه اش حتی در سالیان آینده  
هم او را رها نکرده ممکن است سستی بنایش بضرر  
جان عده ای تمام شود!

پس استحکام یک بنا و چگونگی دوام و بقاء آن  
مربوط و منوط به بنایی است که دست بکار ساختمان  
میشود.

بانویی که نقش اساسی آفرینش را طراحی می -  
کند و سازنده زندگی افراد است باید واجد شرایطی  
باشد که لازمه شغل خطیر و ارزشمند او است. او باید  
در نظر بگیرد که دقت و هشیاری و فطانت و مهندسی  
او مربوط به یک بنا و یک خانه نیست بلکه هم او با  
یک دست خانه خود و با دست دیگرش دنیا سازنده  
است، چنین وظیفه بزرگ و با اهمیتی آبادر خور

مقاله های متعددی تا کنون در مجله وزین مکتب  
اسلام درباره زن و نقش حساس مادرانه او و روح سازنده  
این موجود پر ارزش نوشته شده که خوشبختانه از  
لحاظ شخصیت زن نکته ای را فرو گذار نکردند.

البته این بجای خود محفوظ، و هر خواننده نیز  
چون باین موجود فکر کند تأیید خواهد کرد که  
آری این چنین است زیرا با تصدیق این بحثها در واقع  
مادر یا همسر خود را مورد ستایش قرار خواهد داد که  
هر دو نقشی اساسی و حیات بخش در زندگی دارند.

اما بایددید **کدام زن؟! کدام مادر؟! و چه  
نوع همسری!؟**

معمولا هر کس بخواهد بنایی بسازد پیش از هر  
چیز بفکر طراح نقشه و معمار آن بناست که بحر فیه  
اش و اورد باشد و کلیه خصوصیات و ریزه کاریهای

زاده شدن به تعلیم و تربیت احتیاج دارند ، لا اقل هفت سال دوران یادگیری و تکوین کلیه صفات و حالات او در امان مادر صورت می گیرد ، زیربنای زندگی آینده بشر در همین دوران است که هم می تواند یک مدینه فاضله بوجود آورد و هم بالعکس ، که عکس آنرا اینک مادر محیط خود مشاهده می کنیم .

این نیست مگر اینکه جامعه در تربیت زنان کوتاهی می کنند و با اهمیت موضوع نمی اندیشند. اگر خداوند متعال حقوقی برای مادر معین می کند تلویحاً مقام او را در اجتماع مشخص مینماید .

\* \* \*

**امروزه دختران مملکت ما را سه تیمب متمایز از هم تشکیل میدهند که هیچکدام دردهای اجتماع فعلی را درمان نمی کنند :**

۱ - تیمب تحصیل کرده که بجز یکمشت معلومات استاندارد شده بوج و بی حاصل چیز دیگری از برنامه های درسی تحویل نمی گیرند ، و با امید تمام کردن دوره تحصیل متوسطه و یا احیاناً عالی و احراز پست اداری و گرفتن پاداش مادی و بمصرف رساندن آن در غیر مورد ، انرژی جوانی را از دست میدهند و با تنی خسته و روحی فرسوده کنار میروند ، اینها اگر در این مدت بخواهند تشکیل زندگی هم بدهند نه وقت دارند ، نه حوصله و نه انرژی و نه تجربه ( البته استثناها را بحساب جمع نمیشود گذاشت ، و البته هستند بانوانی که با داشتن سواد کافی زندگی درست هم تشکیل داده اند).

۲ - تیمب تاریک تحصیل و خانه نشین -

اینهمه سهل انگاری و مستی است ؟ !  
بانهایت تأسف و تعجب باید گفت ما اصل را رها کرده و فرع را چسبیده ایم - مدارس ، دبیرستانها دانشگاهها را مسئول ایجاد فساد در نسل جوان تشخیص داده ایم ، غافل از اینکه بچه های امروزی برای گروه خانواده یک بار سنگین غیر قابل تحمیلی شده اند .

خشونت ، بی ادبی ، حق ناشناسی بچه هانسیبت به پدر و مادر نتایج خودخواهی و جهل و ضعفی - اطلاعاتی پدر و مادر است . بنابر این قانون بقای نسل خواهان یک رفورم فکری و دینی و اخلاقی در جوانان - نیست که میخواهند زندگی کنند گرچه این تحول بزرگ روحی و فکری مشکل است ولی برای خوشبختی زندگی شخصی و بقای تمدن دنیا ضروری است و باید اقدام کرد .

اگر در گذشته زن کوتاه فکری میکرد ، در رکود بود ، بیسواد یا کم سواد بود لا اقل این نقایس اخلاقی در چهار دیواری خانه محدود میماند ولی امروز باید به صفات فوق ، غرب زدگی ، و پیروی از هوسهای مخرب را نیز اضافه کرد راستی که چه بدبختی بزرگی است برای ماکه با تلخی هر چه تمامتر اعتراف کنیم هر قدر تمدن و علم و تکنیک رو برشد و توسعه می رود بهمان نسبت وظیفه زن از نظر اخلاق بسیر قهقرائی خود ادامه میدهد. چرا ؟

پرواضح است که چرا ؟ بدلیلهای فراوان و بدایل اینکه اجتماع برای او بالفعل سطحی مقرر داشته است که بنشیند و شیران نر را بوجود آورد ، ولی نخواسته است بخود بقبولاند که این شیران پس از

اینان را مزایایی نسبت به دسته اول است و معایبی - مزایایشان پرداختن بامور خانه‌داری و یاد گرفتن فوت و فن زندگی البته بطور ناقص ، عیبشان فقدان معلومات ، عدم درک مفاهیم اجتماعی و موقعیت‌خطیر خود در دنیای کنونی که خواه ناخواه ، مستقیم یا غیر مستقیم ، حال یا فردا باید مقررات و نیازمندی‌های آنرا پذیرا باشند .

۳ - **تیب دختران قالی باف و کارهایی از این قبیل** - اینان نیز بافگری خام و روحی کوچک جاهل صرف با اجتماع مسلمان ما تحمیل میشوند و ساختن قسمتی از اجتماع را بعهده دارند و یا خواهند داشت و حاصل زندگی و ازدواجشان دیر یازود بدریای بلبشوی اجتماع ناهماهنگ ما سرازیر میشود و در هر سطحی که این فر آورده‌ها قرار بگیرند منشأ اثر و ثمر نخواهند بود ، زیرا مادری اینچنین محصول خوبی نخواهد توانست با اجتماع بدهد چون :

ذات نایافته از هستنی بخش

کی تواند که شود هستنی ، بخش

اینست دورنمای سازندگان مجتمع ما و شق چهارمی یا وجود ندارد و یا اگر هم باشد آنقدر ناچیز است که بحساب نمی آید اینها درد بود ، نقص بود .

تلاش روحانیت نیز در این باره به ثمر نمیرسد و ارواح رشد نیافته و نونهالان بی باغبان دیروز ، امروز درختان جوانی شده اند که بی بندوباری ویی نقشکی ویی مواظبتی آنان را کج و ناقص و نارسا بار آورده است ، و اصلاح کردنشان اگر مقدور هم باشد

بسیار دشوار خواهد بود .

من وقتی با اجتماع زنان در مجالس و محافل می‌نگرم به تیره‌روزی و عقب ماندگی خودمان متأسف میشوم فکر میکنم چرا زنان ما این چنینند ، چرا به نقص عقل معروف و به کوتاهی فکر محکومند ؟ مگر نه اینست که اینان بنیان گذار اجتماعند و سرفصل کتاب آفرینش؟ و باز هم مگر نه اینانند که قوام هستی را بانی و موجودند ؟ چه باعث شده که اینسان عروسک شده‌ایم و اسیر هوس و تمایلات و نقص فکری و روحی ؟ باین نتیجه میرسیم که در تربیت صحیح ما کوتاهی شده و میشود .

دختران و زنان مانده از دنیا خبردارند ، و نه از دین ، از آنجا مانده و از اینجا رانده ، بهیچیک از عوامل مادی و معنوی زندگی بطور کامل وارد نیستند اصولاً نمیدانند برای چه زندگی می‌کنند ؛ هدفشان چیست ؟ و وظیفه شان کدام است ؟ ؛ دین یعنی چه ؟ نقش آن در خانواده و اجتماع کدام است ؟ بجز یک مشت اعمال تو خالی و بدون معرفت که بنام وظایف دینی در خانواده‌ها انجام میشود . این چنین مادرانی پاسخ چراها و مجهولات فکری کودکان کنجکاو و با هوش خود را چگونه می‌توانند بدهند ؟

او خود از خدا و احکام و فلسفه مسائل دین چه استنباط کرده که بخواهد بدیگران بیاموزد ؟ کدام مکتب او را بحقش و بامور اخلاقیش واقف کرده است ، متأسفانه اکثر جلسات مذهبی با وضع کنونی نیز نمی‌تواند به نیازمندیهای او پاسخ گوید .

تربیت مبلغ برای مردان کارخوبی است ولی به تنهایی کافی نیست، زنها نیز مبلغ وارد می‌خواهند مدرسه جداگانه لازم دارند، بسیاری از معلمین فعلی وزارت آموزش و پرورش خود به نقس معلومات دینی و عربی خود ممتزفند آنها نیز وسیله‌ای برای تکمیل معلومات خود می‌جویند.

مجالس مذهبی زنان که اینک بهمت چند بانوی نیکوکار دایر شده است جوا یگویی نیاز دختران در سطح تحصیل نیست این دخترها را نمیشود رها کرد (کلکم راع و کلکم مسئول عن رعیته) اگر در این زمینه اقدام شود نتیجه زودتر عاید میشود تا فقط با تبلیغ مردان، هر صنفی زبان همصنف و همجنس خود را بهتر درک می‌کند تا غیر همجنس.

امید است این درخواست و این استغاثه مورد دقت قرار گیرد و امکان اقدامش فراهم گردد تا شاید بشود در مقابل سیل بنیان‌کن تبلیغات زهر-آگین و شوم دشمنان بدینوسیله سدی ایجاد گردد با امید آرزو

در این مجالس هم اگر زنی حضور یابد یا بافتنی می‌بافد! و یا آجیل می‌خورد و تخمه می‌شکند و به درد دل خود و عیب‌جویی کسان میبرد از د چون آن چیزیکه از بلندگویا از زبان مبلغ پخش میشود گاهی آنقدر تکرار شده که خود زنها از حرف ف میدانند که مقصود گوینده فرحزاد است! (البته باز کاری به استنهاها نداریم).

آیا این کوتاهی نیست که درباره این گروه میشود دستگاه روحانی که مسئول رشد و تربیت روحی و اخلاقی و دینی جامعه هستند نباید ب فکر این طبقه سازنده بیش از این باشند و برای اینان کلاس مخصوص بگذارند؟

چه اشکال دارد جداً با مقامات وزارت آموزش و پرورش مذاکره نمایند و ضمن برنامه درسی ساعاتی در نظر گرفته شود که بتوسط متخصصین آنه هر معلم معمولی، تعلیمات اسلامی تدریس شود، مسلماً برنامه فعلی کامل و کافی نیست، معلم علاقمند وارد ندارد.

## سخنان نغمه‌سازان و دانشمندان

- \* هر کس به فضیلت ایمان ندارد خود نیز فضیلتی ندارد!
- \* «آرزوها» همچون سایه‌ها هستند هر قدر خورشیدزندگی به غروب نزدیکتر می‌شود آرزوها نیز درازتر می‌گردند.
- \* آدمی تا وقتی کاملاً نمرده است بدنیا نیامده است!